



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۴

عبدالحمید سامع

بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان!



(بخش چهارم)

یادداشت نویسنده: این مطلب قبلاً بتاریخ ۲۰۱۳/۰۷/۲۱ تهیه و در همان وقت نشر شده است. حال جهت نشر دوباره، بدون تغییر متن به آدرس «آریانا افغانستان آنلاین» تقدیم است.

بر اساس منبع متذکره در قسمت سوم، همچنان تذکار می یابد، که خبر نگار روزنامه آلمانی می نویسد: قسمت های اعظمی کابل ویران شده است. آب جاری وجود ندارد. «کارتر» گزارش می دهد که مواد خوراکی و «بنزین» بندرت دستیاب می شود. آخرین قطار حامل مواد خوراکی کمی در ماه مارچ توانسته است، وارد کابل شود. در «کمپ» ها و «لاگرای» اطراف جلال آباد، ۲۰۰۰۰۰ فراری در تحت شرایط نهایت دشوار بسر می برند. نماینده «یونیسف» می گوید که در سراسر افغانستان، خصوصاً برای زنان و اطفال وضعیت خیلی ناگوار و وخیم ارزیابی گردیده است.

به ادامه گزارش می خوانیم: «از زمان بروز جنگ، پس از ورود قوای روسی در سال ۱۹۷۹م، حدود سه تا چهار میلیون طفل به نسبت قلت مواد غذایی و امراض ساده قابل علاج تلف شده اند. سالانه باز هم، ۲۶۵۰۰۰ طفل باسنین کمتر از ۵ سال می میرند. یک سیستم معالجه صحی فعال، دیگر وجود ندارد. قریب تمام ۸،۲ میلیون طفل شاهد تعمیل زور گردیده اند، از عواقب سنگین صدمه فزینگی و روحی وارده بر آنها، رنج می کشند. بسیاری از آنها یتیم، یا در اثر اصابت با «مین»، زخمی و معلول گردیده اند.

«کارتر» تأکید نمود ه است که با وجود موفقیت های سازمان ملل متحد در بخش پروگرام «مین پاک»، نخست در ۵۰ سال آینده، وظیفه «مین پاک» را به انجام خواهد رسانید. مرد ها یا می جنگند و یا در نتیجه زخم برداشتن، از قابلیت انجام کار محروم اند، بناءً بسیاری از زن ها و اطفال و انسان های پیر باید، برای امرار حیات به دریافت بنیه مالی زنده ماندن بپردازند.

از زن ها در اکثریت اوقات مواظبت صحی صورت نمی گیرد. زیرا به نسبت دلایل «مذهبی» توسط مرد ها، اجازه معالجه داده نمی شود. در اطراف و اکناف شهر ها، یعنی در دهات فقط کمک کننده های طبی، مرد ها اند. «کارتر» می گوید: یکی از عوامل عمده امراض، قلت در موجودیت آب صحی نوشیدنی است. فقط هر چهارم افغان دسترسی به آب نوشیدنی صحی دارد. وسایل تصفیه آب و حفظ الصحه فقط در «شهر ها» دیده می شود. از جمله ۱۹ میلیون افغان، بر اساس اظهارات از منابع سازمان ملل متحد، در مدت ۱۵ سال جنگ، جمعاً ۵ میلیون انسان آن، فرار نموده، از جمله کمی نزدیک به ۲ میلیون برگشته اند.»

رونامه «دی ویلت»، چاپ آلمان در شماره مؤرخ ۱۱ «اکتوبر» ۱۹۹۴م می نویسد: «۱۷ کشته در حملات بر کابل» حملات را از جانب واحدهای جنگی «صدر اعظم گلبدین حکمتیار» و «جنرال عبدالرشید دوستم» یاد نموده است. در یک گزارش مختصر روزنامه «زوید دویچه سایتونگ»، بتاریخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۹۴م، بار دیگر از «جنگ شدید» بین گروپ های رقیب «مجاهدین» خبر داده می شود، که در یک طرف «ملیشه» های «حزب وحدت شیعه» و «حزب اسلامی» و در مقابل آن، متحدان رئیس جمهور «ربانی»، با هم در داخل شهر به تبادلۀ «آتش» توپخانه پرداخته اند، که ده ها ملکی کشته و تعداد کثیری هم زخمی شده اند.

روزنامه «ویست دویچه سایتونگ»، چاپ آلمان در شماره مؤرخ ۲۹ اکتوبر ۱۹۹۴م، می نویسد: «اجاق داغ بحران در شرق ایران». در سطر دوم عنوان می خوانیم: «گروپ های مختلف، حاکمیت ملا های شیعه را مورد حمله قرار می دهند».

در گزارشی که این روزنامه از لندن برای نشر دریافت داشته است، از «حوادث» منفرد نام برده شده، اما «ناظران سیاسی در تهران» برین عقیده اند، که «در شرق ایران از دیر زمانی بدینسو یک نوعی از وضعیت جنگ داخلی» حکمفرماست، که با نگرانی از انظار خارجی ها، پوشیده نگهداشته می شود. «درین رابطه شایعاتی یخش شده است، که در آینده نه چندان دور، یک برخورد و ستیزه میان ایران، پاکستان و افغانستان از هم پاشیده در جنگ داخلی، بوقوع خواهد پیوست».

در همین گزارش تذکر رفته است، که: «تنها در نیمه اول سال جاری، رسانه های تحت کنترل دولت ایران، از ۲۸ «حادثه» در ساحات کم نفوس دشت های نزدیک سرحدات «ترکمنستان»، «پاکستان» و «افغانستان»، خبر داده اند. در نتیجه این برخورد های بین قوای حکومتی و گروپ های مختلف از کشته شدن ۱۰۰۰ انسان نیز «راپور» داده شده است. در آنوقت، کشور ایران حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰ مرد مسلح بشمول «ملیشه های گارد انقلابی» آنرا در سه ولایت بحرانی آنکشور، توظیف ساخته است. در همین روزنامه «۱۰ فیصد» نفوس ایران را، مسلمانان «سنی» در گزارش نامیده است. تذکر این معلومات بخاطری جالب شناخته می شود که در دو کشور دیگر، چون «پاکستان» و «افغانستان»، این تناسب بین «فرقه» های مذهبی متذکره، برعکس است. بد بختانه در پاکستان بین «فرقه» های «شیعه» و «سنی» از چندین دهه به اینطرف، خون بی حساب بی گناهان ریخته است. افغانستان با همچو حوادث مشابه «سابقه» ندارد، امید است، این چنین امراض «پاکستانی»، مانند «هندو و مسلمان» در هندوستان، «ساری» نباشد.

نباید فراموش نمود، که در قریب همه رژیم های «یک حزبی»، «مذهبی» و «غیر دیموکراتیک»، برای منحرف ساختن «ذهنیت عامه» اتباع آنها، همه از اعمال نا مطلوب کار گرفته و با استفاده از نا رسائی ها، حکومت آنها، توجه اتباع را بسوی اوضاع موجود «نابسامان» کشور های دیگر، خاصاً کشور های همجوار و همسرحد «جلب» می نمایند. تشدید «جنگ داخلی» در افغانستان، برای رژیم «آخوندی» ایران، بهترین «فکتور» در جهت حفظ منافع آنها محسوب می گردد، که از طریق پیوند های «مذهبی»، و کمبودی ها و ضعف های معین در خصوصیات تمایلات فاسد متنفذین هر یک از دسته ها و حلقات جاه طلب و سود جو، بسادگی سازمان داده اند. از جانب دیگر باید از نظر دور نداشت، که از آغاز «بحران» در نیمه دهه هفتاد قرن بیست، مجرا های بی شمار «مداخلات» و کسب نفوذ خارجی در امور داخلی افغانستان، چه از طریق مناسبات «دولتی» با «دول» دیگر در

صدر با «اتحاد شوروی» و چه از طریق «حلقات و محافل سیاسی- نظامی» که در تحت نام «جهاد»، وارد میدان شده بودند، اما عاری از تلاش برای کسب قدرت و یا سهم در قدرت سیاسی نبوده اند، باز گردید. در بخش های مختلف این مطلب، نمونه ها و مثال هائی را از نظر خواهیم گذراند.

با وجود آنکه در آغاز تحت عنوان مطلب از نگاه زمانی، بعد از «جنوری ۱۹۹۴م» در نظر بود، اما وقتی، در گزارش «شترن» چاپ آلمان، «کابل ویران» مشاهده شد، تصویری ایجاد گردید، که آیا جوانب درگیر «افغان»،



Flüchtlings-Kinder im Ausbildungslager des Widerstandes: Noch Hunderttausende Tote?

درین «بحران» واقعاً به «عمق و وسعت» عوامل داخلی و خارجی، که در مصیبت های بی پایان این ملت، نقش اساسی داشته است، آگاه بوده و درک نموده اند؟ حوادث تأریخی و اهداف غارتگران، از هر قماش ای که هستند، مانند حلقات «زنجیر» در زیر لوش «باتلاق» غرق اند. بررسی عمیق و همه جانبه در یک مقاله و هم توسط یک «مغز»

«اطفال مهاجرین در محل تعلیم، برای مقاومت: تا بحال صدها هزار کشته؟»

ممکن نیست. حفظ منافع «ملی»، اصولی را می طلبد، تا وجوه مشترک و اهداف «ما فوق» طرز تفکر گروهی و «آیدیلوژیکی» و هم «ما فوق تمایلات قومی و «ایتنی»»، مشخص گردد. تعهدات در موضوعات اصولی و اساسی که متضمن «وحدت و یکپارچگی» ملت ما باشد، برجسته گردیده و در امر وفاداری به آن، در عمل صورت گیرد.

وقتی گزارشات موجودیت اطفال را در جمع «عساکر» یا «جنگی ها» در «جنگ های داخلی» کشورهای آسیا، افریقا و امریکای «لاتین» مطالعه نمائیم، باید اعتراف نمود که در جامعه افغانستان هم چنان، بعد از آغاز «بحران» اخیر، از «اطفال» در «جهت» اهداف «سیاسی» و در مطابقت با تهداب گذاری «سیستم» های «یک حزبی» و «افراطی»، از جانب، قدرت های درگیر بر سر «انحصار» حاکمیت، استفاده «سوء» صورت گرفته است، که با «نبض» انکشافات جدید، در راه «حقوق» و آزادی انسان، که «بدیل» معقول آن شیوه حکومت بر مبنای «دیموکراسی»، در تضاد مطلق قرار داشته است.

در جریان جست و جوی مطالب انتشار یافته، گزارش خیلی خیلی را در «مجله شپیگل» دریافتیم، که در شماره ۴۵ سال ۱۹۸۵م، منتشر شده است. ممکن است، دوستان خواننده موافق نباشند، اما از دید این جانب، هر دو جانب درگیر و همچنان قدرت های خارجی، در «ربودن» زندگی «طفلان» از «اطفال ما» نقش داشته اند، «جنگ افغانستان» در حقیقت امر، کاملاً «جنگ ملت افغان» نبوده است که تا اکنون با بغرنجی خاص ادامه دارد. اینگونه «ربودن»

زندگی «طفالانه» با آنچه در شرایط عدم «جنگ»، اما تسلط شرایط «فقر و عیماندگی اقتصادی» صورت می‌گیرد، از ریشه متفاوت است. به این چند تصویر نشر شده در



«شپیگل»، شماره ۴۵، سال ۱۹۸۵م»، نظر اندازید: در پایان این عکس که در حقیقت، از منبع در دو قسمت «سکن» شده است، یک سطر توضیحی نشان می‌دهد، که فرد با «ببرق» تعلیم دهنده اطفال در کمپ‌های «مهاجرین»، در پاکستان بوده است. ترجمه سطر پائین عکس چنین است:

(در پایان عکس می‌خوانیم: «یتیمان در پرورشگاه کابل: هزاران طفل بحیث کمونیست‌های استوار و سرسخت تربیه می‌شوند.»)

همین گزارش حاوی مطالب وسیع بوده، که فقط مطالب چند ارائه می‌گردد، نخست بعد از این تصویر نمونه از اطفال را در ساحه «حکومت «چپ» یک حزبی»، نیز از نظر می‌گذرانیم، که از «یتیم‌خانه»، به عنوان «پرورشگاه وطن»، تعلیم «آیدیالوژیک» را، به «پیروی از جهان بینی» خود آنها، به پیش می‌برده‌اند، ممکن بی‌خبر از اینکه، اگر به این اطفال، جای زندگی، یعنی نان و لباس و جای خواب داده‌اند، در تحت نام «پرورش»، بجای آن رشد آزاد

آنها را، ربودند، بجای اینکه توجه بیشتر به «کلتر و فرهنگ» جامعه و سعادت طفل در یک اجتماع «صلح آمیز» عمل می‌نمودند، با اندیشه اشتباه آمیز، در «جهت وفا داری به «حزب» و «انترناسیونالیزم» و «سیستمی» تربیت می‌نموده‌اند، که «تأریخ» شکست و نا درستی آنها، قبلاً محکوم نموده بود. پیروان این راه و «اندیشه» ممکن «آگاه» نبوده باشند. جانب مقابل همچنان «مشغول» تعمیق و «توسعه» «انترناسیونالیزم» خود بوده‌اند، که «افراطیت و بنیادگرایی اسلامی» تعیین کننده «جهت گیری» در اهداف آنها بوده است. مردم متدین ما، از قرون متمادی بدین سو، بطور نمونه با کلمه و «هویت طالب» در حیات اجتماعی «فرهنگی» وطن آشنا بوده‌اند، آنها را جز اجتماع خود می‌دانستند، اما از زمانیکه در زیر پوشش این کلمه، افراد گمشته و ظایف «سیاسی - نظامی» بیگانگان را به پیش می‌برند، مردم ما علاوه از «نفرت» فعلی علیه اعمال «جنایتکارانه» آنها، رنج می‌برند که چرا همان «طالب معصوم» را در قریه و مسجد خود نمی‌یابند.

در تحت نفوذ قوی مناسبات بین المللی «فضای جنگ سرد»، تبلیغات رنگارنگ، براه می‌افتاده است، که در حقیقت تمام رشته‌های «پیوند های اجتماعی - فرهنگی» کشور ما را نیز، بخصوص در مدت قریب ۱۰ سال حضور قوای شوروی، صدمه زده، درین مدت البته، در ساحات «قبایلی پشتون و بلوچ نشین» آنطرف «خط دیورند» و سراسر پاکستان، «بکمک سعودی» و سایر افراطیون بنیادگرای «اسلامی»، در قدم اول از جانب «شیخ نشین های صاحب «دالر نفت»، «مدارس دینی» ایجاد، این ساحه، بتدریج بمثابه مرکز عمده «مدارس افراطیت «سنی» و «وهابیت»، مبدل گردید. «طالب نو» بحیث کمیت «آیدیالوژیک» رشد یابنده، با سمتگیری افراطی، از جانب بیگانگان، در خارج از اجتماع ما، بسرعت تکثر می‌نمود.

این «حالت حس «بی اعتمادی» مراکز مذهبی را در «قم» تحت رهبری «خمینی»، تحریک نموده، درین منطقه، در پهلوی «مبارزه با کمونیزم»، رقابت ها، بین «شیعه» و «سنی» نیز دامن زده می‌شد، که باز هم همین «طالب» جوان کاندید «آیدیالوژیک» بوده، در مقابل آنها، مراکز «نجف اشرف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و غیره بفعالیت های مقابل پرداخته‌اند،

با تفاوت ازینکه، آخوند های «قم» ذخایر طبیعی و عواید «سرشار» «نفت» و یا «پطرو دالر» آنرا، خود در اختیار داشته، اما «طالب» و «مجاهد افغان»، باید «هزینه» زندگی و اسباب «جنگ» را از «تمویل کنندگان»، سازماندهندگان و دستور دهندگان خارجی، با از دست دادن بزرگترین ارزش های حیاتی، یعنی از دست دادن، اختیار داشتن «وطن»، به پیش می برده اند.

خوب می دانیم که پس از حادثه «۲۷» اپریل ۱۹۷۸م، یعنی «سقوط رژیم جمهوری سردار محمد داوود خان» در افغانستان، در فیروی ۱۹۷۹م، در ایران، رژیم «رضاشاه پهلوی» نیز سقوط داده شد، در سقوط «رژیم شاه» در ایران و بقدرت رسانیدن «خمینی»، از نقش «افسران»، اعضای مخفی «حزب توده ایران» نیز حرف زده می شد. ایران زمان «شاه»، در نقش «ژاندارم منطقه»، تبارز می نمود. نفوذ و نقش رژیم «آخوندی» در منطقه و خاصاً در «غرب آسیا» و «شرق میانه»، در خطوط کلی تغییر نموده است. بعد از «استقرار رژیم آخوندی» هزاران عضو «حزب توده ایران» اعدام گردیدند. (این عکس «بازگشت آیت الله خمینی از تبعیدگاه اخیر در فرانسه (قبلاً در عراق) در اول فیروی ۱۹۷۹م در میدان هوایی تهران نشان می دهد.»)

در سال ۱۹۷۳م، در کشور ما و یا درین منطقه، با سهیم ساختن «اعضای حزب «دیموکراتیک خلق افغانستان»، سردار محمد داوود خان، «کودتای سفید»، یا «انقلاب» خود را بسر رسانید.

انکشافات در افغانستان، متفاوت از «ایران» شکل گرفت. رژیم «آخوندی ایران» بزودی، برای «جلب» اذهان «عامه» مردم آن، به ظاهر امر «دشمنی» با «امریکا» را سازمان داده، در عین زمان «جنگ با عراق» را آغاز کرد. در جریان جنگ، قسمت اعظمی افسران «شاه» و دستگاه استخباراتی «ساواک» شاه، «ریش دراز» کشیدند، با «تغییر نام»، همان اهداف قدیمی را در سیاست «منطقوی» ادامه داده اند. منطقاً «اجنت» های احتمالی معاش خور زمان شاه، در افغانستان، اینبار معاشات آنها را به امضای «آیت الله ها»، «شیخ ها» و «حجت الله» بدست می آوردند. در نقاط مرکزی افغانستان، در سازما های تازه «تشکیل یافته» که رهبران آنها، در «تهران» و «قم» و «مشهد» بسر می بردند، این القاب و مقامات «رهبری مذهبی شیعه»، «سماق وار» سر بیرون می کشیدند. بعد از سپری شدن قریب یک دهه از هشت گروه آن، توسط «افسران ساواک»، حزب «وحدت» از «خط تولید مخفیگاه» «ساواک»، وارد «بازار سیاسی» افغانستان گردید.

ادامه دارد ...



بخش اول این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_۱.pdf

بخش دوم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_۲.pdf

بخش سوم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_۳.pdf

بستر ولادت و پرورش طالب افغان (بخش چهارم)

[saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_۴.pdf)